



تقریر درس خارج فقه الصلاة آیت الله اراکی رحمته الله

| مقرر | حجت الاسلام مرتضی اسدیان | جلسه | ۵۵ | تاریخ | ۱۴۰۰/۱۱/۰۴ |
|----------------|--------------------------|------|----|-------|------------|
| عنوان اصلی درس | نماز مسافر | | | | |
| عنوان دوم | شرائط وجوب تقصیر | | | | |
| شرط اول | قطع مسافة | | | | |
| شرط دوم | قصد مسافة | | | | |
| شرط سوم | استمرار قصد | | | | |
| شرط چهارم | سفر، سفر معصیت نباشد | | | | |

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطيبين الطاهرين

در بحث گذشته که درباره روایت ششم بحث می کردیم که روایت زراهِ بود از امام باقر علیه السلام؛ سند روایت هم گفتیم صحیح است:

«مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَخْبُوطٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَمَّنْ يَخْرُجُ عَنْ أَهْلِهِ بِالصُّقُورَةِ وَالْبُرْزَةِ وَالْكَلابِ يَتَنَزَّهُ اللَّيْلَتَيْنِ وَالثَّلَاثَةَ هَلْ يَقْصُرُ مِنْ صَلَاتِهِ أَمْ لَا يَقْصُرُ قَالَ: إِنَّمَا خَرَجَ فِي لَهْوٍ لَا يَقْصُرُ الْحَدِيثُ»؛

عنوان سفر لهوی بر سفر صید در این روایت تطبیق شده است و این عنوانی است که در سایر روایات وارد نشده بود. لذا در روز گذشته درباره معنای سفر لهوی صحبت کردیم و گفتیم از مجموع گفتار اهل لغت و بلکه از استعمالات شرعی کلمه لهو استفاده می شود که لهو هر عمل یا قولی است که انسان را از کار لازم که غایت مهمی دارد باز بدارد که حالا یا در بین عقلا کار لازمی است یا از لحاظ شرعی کار لازمی است و نه سرگرمی مطلق.

پس لهو ترک آنچه باید به وسیله آنچه نباید است؛ مثلاً سفر مختلط بین جوانان این سفر، سفر لهوی است اما اگر جداگانه بروند سفر لهوی حرام به شمار نمی رود اما اگر سرگرمی باشد که انسان را از آنچه باید باز می دارد و یا به آنچه نباید و می دارد این می شود سفر لهو حرام.

از این روایت استفاده می شود که سفر صید هم نباشد اما لهوی به این معنا باشد آن سفر هم سفر حرام خواهد بود؛ یعنی لهوی که: «یشغل الانسان عما يلزم أو يوقعه فيما لا يلزم تركه».

و لذا سفرهای تفریحی متضمن حرام، خود این سفر سفر لهوری حرام خواهد بود، که خود این سفر لهوری می شود؛ که لایجوز فعله اگرچه صیدی هم نیست اما چون عنوان لهور حرام بر آن منطبق است لذا يجب فيه التمام ولايجوز فيه افطار.

روایت هفتم: روایت قمی

«عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ عِمْرَانَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِمْرَانَ الْقُمِيِّ، عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، قَالَ: قُلْتُ لَهُ: الرَّجُلُ يَخْرُجُ إِلَى الصَّيْدِ مَسِيرَةَ يَوْمٍ أَوْ يَوْمَيْنِ، يُقَصِّرُ، أَوْ يُتِمُّ؟ فَقَالَ: «إِنْ خَرَجَ لِقُوْتِهِ وَ قُوْتِ عِيَالِهِ، فَلْيُقِطِرْ وَلْيُقَصِّرْ، وَ إِنْ خَرَجَ لَطَلَبِ الْفُضُولِ، فَلَا، وَلَا كَرَامَةً»^۱؛

چون خلل ارسال در آن وجود دارد لذا سند روایت مختل به ارسال است.

آنچه در روایت وارد شده است این است که اگر برای قوت خود و عیالش می رود یعنی صید او شغل اوست و برای تامین معاش می رود این سفر حلالی است و باید نماز شکسته بخواند و روزه هم نمی تواند بگیرد؛ در ادامه عنوان جدیدی در روایت وارد شده است که عبارت است از «لَطَلَبِ الْفُضُولِ» که به معنای کار زیادی و بیخودی است؛ اینجا عنوانی وارد شده که به این معناست که اگر صید او صیدی است که برای تامین شغل و تامین معاش نیست و اینگونه صید گفتیم فی نفسه حرام است و ظاهر این است که «لَطَلَبِ الْفُضُولِ» مرادف است با همان صید من اجل اللهو که به معنای همان کاری است که انسان را از کار لازم دیگر باز می دارد و کار عبث و بیخودی است و یا به کاری که نباید بکند و می دارد و یکی از کارها همین کشتن حیوانات است و این «لَطَلَبِ الْفُضُولِ» او را به این کار و می دارد.

البته در اینجا مطلبی وجود دارد که در گذشته ها که امکانات تولیدی محدود بوده مثلاً مسأله احیاء زمین چقدر زمین می توانسته احیا کند؟ ده هکتار و یا بیست هکتار و لذا کسی نمی توانسته دو هزار هکتار زمین را احیا کند حالا اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود «من احیا ارضاً مِيتَةً فَهِيَ لَهُ»^۲ آیا شامل امروز هم می شود؟

این را در محل خود گفته ایم که ظاهر این است که وقتی ایشان این حدیث و بیان را فرمودند این احیاء حیائی است که در توان یک فرد معمولی متعارف در آن زمان بود و اگر بخواهد کسی زمین بزرگی را احیاء کند دایر مدار حکم قانون است و گفتیم این مسأله حکم حکومتی است و حکم شرعی دائمی به آن معنا نیست؛ و لذا این به ید حکومت است و ممکن است دولت بگوید احیا کنید ولی در یک محدوده خاص حتی حق بر زمین را برای کسی که احیا کرده محدود کند.

همین مطلب در مسأله صید هم جاری است چون در آن زمان برای کسی که شغل او صید بوده مگر چقدر صید می کرده؟ به اندازه ای که بتواند بیاورد در بازار بفروشد و وقتی چنین است مگر چقدر می توانسته شکار کند و بیاورد؟ چون نگهداری اینها برای فروش سخت بوده و به اندازه توانش این کار را می کرده اما حالا اینطور نیست مثلاً صید تال که برای ماهی انجام می دهند که دستگاه هایی اختراع شده که در صید ماهی اگر صیادان را رها کنند ماهی را ریشه کن می کند همه را جمع می کند و در عرض چند ماه چیزی در دریا نمی ماند بلکه باید این را محدود کرد نسبت به صید وحش هم همینطور است؛ و باید محدود شود به قدی که اضرار به حیات وحش نباشد.

ماحصل آنچه بدست آمده این است که:

۱. کافی؛ ج ۶، ص ۵۱۴.

۲. وسائل الشیعة؛ باب احیاء الموات، باب ۲، ح ۱.

۱. هر سفری که خود سفر متعلق نهی شرعی باشد و محرم بذاته باشد سفر معصیت است و مراد از این نوع سفر سفری است که نهی به خود سفر تعلق گرفته مثل: سفر فرزندی که پدر و مادر او او را از سفر نهی کرده باشند و خود سفر متعلق نهی است و می شود سفر معصیت و خلاصه هر سفری که ناکث یمین و یا عهد باشد و یا سفری که مضر باشد مانند کوهنوردی در روزهای برفی که هر سال چند کشته هم می دهیم و اینها از مصادیق سفر معصیت است و سفری است که در آن احتمال تلف شدن هست یا جاده برفی است، یخبندان است و مسئولین می گویند نروید و... اینها سفر معصیت است زیرا سفری که خطر جانی دارد فی نفسه سفر معصیت است؛ نه سفر واجب شرعی که اگر خطرناک هم باشد باید رفت بحث در سفر معمولی است.

۲. اگر خود سفر معصیت نیست اما سفر برای کاری و غایتی انجام می گیرد که خود آن غایت و کار معصیت است مثل اینکه سفر می رود تا بی گناهی را بکشد یا به مسلمی ضرری برساند و یا جاسوسی کند بر علیه کشور اسلامی و اینگونه سفرها سفر معصیت است به دلیل غایتی که بر سفر مترتب می شود که غایت محرمه است.

۳. سفری که لهوری باشد که ابرز مصادیقش سفر صید لهوری است و عرض کردیم اگر صید نبود بلکه سفری باشد که فی نفسه سفر لهوری است مانند تفریحی که مخلوط با فعل حرام است و به لحاظ اختلاط با فعل حرام یجب ترک یا سفری است که موجب ترک واجب دیگری می شود. این هم از عناوینی است که موجب سفر معصیت است.

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ